

تحلیلی گفتمان‌شناختی بر کاربرد گفتمان‌نماها در قرآن کریم: به سوی معرفی الگوی مدیریت گفتمان بر اساس متون قرآنی

علی محمد محمدی^۱

چکیده

ترکیب عناصر زبانی مانند قیود، جملات کوتاه، افعال، حروف اضافه، ربط و عطف به ایجاد عناصری فرازبانی به نام گفتمان‌نما می‌انجامد که در خدمت مدیریت گفتمان می‌باشند. این پژوهش بر آن است تا با رویکردی توصیفی و تطبیقی به بررسی ابعاد استفاده از پیچیده‌ترین، پرکاربردترین و موثرترین عناصر فرازبانی-گفتمان‌نماها-براساس نظریه گفتمان‌شناختی انسجام، گامی مقدماتی در کشف و شناسایی الگوی مدیریت گفتمان در قرآن کریم بردارد و چارچوب آن را توصیف کند؛ لذا ۶ جزء قرآن کریم به صورت تصادفی برای تجزیه و تحلیل انتخاب شد تا به پاسخ سوالات در باره نوع گفتمان‌نماها و توزیع فراوانی آنها دست یابیم. پیکره پژوهش دارای ۱۶۹۰۶ کلمه بود. یافته‌های مطالعه به کشف الگوی چهار-وجهی در مدیریت گفتمان در قرآن کریم منجر شد که روابط چهارگانه گفتمانی ذیل را معرفی می‌کنند: استنباط، تفصیل، تقابل و توالی. ابعاد یافته‌ها تجزیه و تحلیل شد و کاربردهای مختلف در حوزه‌های آموزش، پژوهش، تدوین مطالب درسی و فرهنگ‌نگاری بحث و بررسی شد.

کلیدواژه‌ها: گفتمان‌نماها، متون قرآنی، مدیریت گفتمان، الگو.

۱. مقدمه

ارائه و معرفی الگوهای پژوهشی براساس نظریات مطرح از مبانی و اصول پژوهش‌های توصیفی، کیفی و اکتشافی و از شیوه‌های متداول در مطالعات گفتمان‌شناختی و منظورشناختی است که براساس پژوهش‌های پیکره-محور انجام می‌شود. تلفیق، درهم تنیدگی، ترکیب و استفاده از عناصر زبانی مانند قیود، جملات کوتاه، افعال، حروف اضافه، ربط و عطف مانند اولاً، بالاخره، منظوم این است^۱، عرض شود که^۲، به علاوه، سپس، به بیان دیگر و در نتیجه در تعاملات اجتماعی به پیدایش و شکل‌گیری کلمات، عبارات، و جملات کوتاهی می‌انجامد که گفتمان‌نما^۳ نامیده شده‌اند. این درهم تنیدگی زمینه پیدایش متنوع‌ترین، گسترده‌ترین، مبهم‌ترین، ولی از نظر ظاهری ساده‌ترین عناصر در آفرینش، ادراک و تحلیل گفتمان را فراهم می‌کند (ر.ک: ردکر، ۱۹۹۰؛ شفرین، ۱۹۸۷، ۲۰۰۶؛ فریزر، ۲۰۰۶). گفتمان‌نماها عناصری فرازبانی، فراارتباطی و فراتفسیری‌اند که ابتدا پیوستگی، ارتباط و انسجام بین واحدهای گفتمان در فرایند گفتگو و نگارش را ایجاد می‌کنند و سپس با تسهیل درک و فهم متن در فرایند تفسیر گفتمان در خدمت حل مشکلات گفتمانی مخاطب می‌باشند (ر.ک: فرانک‌جاب، ۲۰۰۶؛ آیمر، ۲۰۰۲؛ محمدی، ۲۰۲۰). براساس این رویکرد و تعریف عناصری مانند و، اما، سپس، بدرستی و حالا گفتمان‌نما هستند و مثلاً عنصر زبانی "و" زمانی که دو اسم، فعل، صفت و قید را ترکیب می‌کند، گفتمان‌نما تلقی نمی‌شود. بلکه آن زمانی گفتمان‌نماست که دو جمله یا جمله‌واره^۴ را ترکیب نماید و این معیار در مورد همه گفتمان‌نماها صادق است (ر.ک: فریزر، ۲۰۰۶؛ محمدی و دهقان، ۲۰۲۰). مثال ذیل از سوره نور آیه ۲۱ این رویکرد را نشان می‌دهد. در این مثال عناصر زبانی زیرخط دار گفتمان‌نما می‌باشند و همان عناصر به رنگ قرمز گفتمان‌نما تلقی نمی‌شوند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَأ فَضَّلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ"

مدیریت چیست؟ ابعاد مدیریت کدامند؟ مدیریت فرایندی است که در چارچوب آن استفاده مؤثر، دقیق، حساب شده و هماهنگ از منابع مادی و انسانی مبتنی بر یک نظام ارزشی صورت می‌گیرد. در

¹. I mean.

². You know.

³. Discourse Marker

⁴. clause

این فرایند مراحل ذیل برای رسیدن به اهداف مورد دنبال می‌گردد: برنامه‌ریزی، بسیج امکانات و منابع، هدایت و سازماندهی و پایش رفتار افراد و سازمان‌ها (کسلر، ۲۰۱۳). گفتمان فرایند خلاق، پیچیده و درهم تنیده‌ای است که در چارچوب آن انسان همیشه در حال تعامل با دیگران است تا به اهداف گوناگون خویش دست یابد. بنابراین، تحلیل و مطالعه ابعاد، عناصر و متغیرهای موثر در گفتمان، زمینه شناخت مدیریت گفتمان را فراهم می‌کند. مدیریت گفتمان از مهمترین موضوعات در تعاملات اجتماعی است و تحلیل ابعاد آن منجر به کشف روش‌های آفرینش و انتقال پیام به وسیله نویسندگان/گوینده از یک طرف و شناخت روش‌های استنباط، تفسیر و نشان دادن عکس‌العمل مناسب مخاطب از طرف دیگر خواهد شد (ر.ک: تریلو، ۲۰۰۲، محمدی، ۲۰۱۵).

۲. بیان مسئله و سوالات پژوهش

هدف این پژوهش توصیفی و کیفی بررسی، تحلیل و کشف نظام مدیریت گفتمان در قرآن کریم براساس تجزیه و تحلیل آیات این کتاب آسمانی می‌باشد. برای رسیدن به این هدف ابتدا مشخص می‌کنیم که چه مقدار از قرآن را بررسی نماییم. در مرحله دوم باید بر اساس یک نظریه گفتمان شناختی نوع و فراوانی گفتمان‌ها در این کتاب آسمانی را معین و مشخص کنیم. نتیجه بررسی و معرفی نظام کاربردی گفتمان‌ها در بافت طبیعی متن زمینه تولید علم و گسترش آن، توسعه تجربه و فراگیری مهارت در گستره مدیریت گفتمان را میسر می‌کند. مطالعات قبلی به زبان فارسی محدود به تحلیل یک یا دو مورد از گفتمان‌ها و یا فقط به تحلیل توزیع فراوانی آن‌ها در بخش محدودی مانند دو یا چهار سوره پرداخته‌اند و از نظر جامعه آماری بسیار محدودند و در نتیجه قابل تعمیم به کل قرآن نمی‌باشند. و تحقیقات به زبان عربی بسیار محدود و ناقصند که فقط شامل یک مورد و شناخت درستی از گفتمان‌ها را نشان نمی‌دهد (ر.ک. تاریخچه). این مطالعه به بررسی ۲۰٪ کل قرآن می‌پردازد که از نظری علمی قابل قبول است و می‌توان از نظر آماری آن را به کل قرآن تعمیم داد. علاوه بر این، نتایج و یافته‌های این پژوهش کاربردهایی در تصمیم‌گیری در زمینه‌های گوناگون علمی، آموزشی و پژوهشی می‌تواند داشته باشند. بنابراین، تاکنون مطالعه‌ای در حوزه معرفی مدیریت گفتمان در قرآن به زبان فارسی انجام نشده است و در نتیجه الگویی نیز معرفی نشده است. چون مطالعات قبلی اکثراً مربوط به آموزش زبان، متون پژوهشی، و کتب درسی می‌باشد (محمدی، ۲۰۱۵). لذا این مطالعه با نگرشی

توصیفی، کیفی و تحلیلی بر اساس نظریه انسجام شفرین (۱۹۸۷، ۲۰۰۶) در مطالعات گفتمان‌شناختی بر آن است تا با توصیف، تحلیل و معرفی روش و نظام مدیریت گفتمان در قرآن کریم قدمی اولیه و بسیار مقدماتی در معرفی الگوی پژوهشی بر دارد. براساس تحلیل مطالعات قبلی (ر.ک: کریبل و پاسکال، ۲۰۲۰؛ دگند و کیوانکا، ۲۰۱۹؛ کسایبی و عموزاده، ۲۰۲۰) فرض علمی محقق حاضر این است که انواع مختلفی از گفتمان‌نماها به طرق مختلف، با توزیع فراوانی گوناگون و با نقش‌های چندگانه در خدمت مدیریت گفتمان قرآنی می‌باشند. برای دستیابی به این هدف به بررسی توزیع فراوانی^۱، کشف، طبقه‌بندی و معرفی نوع^۲ گفتمان‌نماها در ۶ جزء قرآن کریم می‌پردازیم. این پژوهش در جستجوی یافتن پاسخ سوالات ذیل می‌باشد: ۱. در قرآن کریم از کدام گروه از گفتمان‌نماها استفاده شده است؟ ۲. چه نسبتی میان توزیع فراوانی گفتمان‌نماها و کل کلمات پیکره وجود دارد؟ ۳. کدام گروه از گفتمان‌نماها از توزیع فراوانی بیشتری در پیکره انتخابی از قرآن کریم برخوردارند؟

۳. روش اجرا

۱.۳. روش مطالعه: این پژوهش توصیفی-کیفی به تحلیل استفاده از گفتمان‌نماها در طراحی روابط گفتمانی در مدیریت گفتمان قرآن کریم با هدف کشف و معرفی الگوی پژوهشی پرداخته است. در این پژوهش روش‌های توصیفی و کیفی ترکیب گردید: ابتدا کاربرد زبان در فرآیند تعامل خداوند با انسان‌ها در متن قرآن کریم بررسی شد. سپس پیکره مطالعه از متن قرآن کریم به صورت تصادفی انتخاب شد. سوم این که برای اثبات اعتبار و پایایی علمی این مطالعه از ۲ ارزیاب از رشته‌های علوم قرآنی و ادبیات عرب استفاده گردید. همچنین این پژوهش مبتنی بر رویکرد نظری، الگو و سوال پژوهشی بود. و علاوه بر این، از آمار توصیفی در بررسی و تحلیل داده‌ها نیز بهره‌برداری شد.

۲.۳. مبنای نظری: پژوهش حاضر بر اساس نظریه انسجام در گستره پژوهش‌های گفتمان‌شناختی انجام شده است. پیش فرض‌های نظریه گفتمان‌شناختی انسجام عبارتند از ۱. کلیه متون دارای انسجام هستند، ۲. متون دارای روابط انسجامی مختلفی می‌باشند، ۳. کشف روابط انسجامی موجود در متن از وظایف مهم مخاطب متن می‌باشد، ۴. و سرانجام این که گفتمان‌نماها در

1. Frequency

2. Category

این فرایند نقش مهمی ایفا می‌کنند (ر.ک: شفرین، ۲۰۰۶؛ ردکر، ۱۹۹۰). چارچوب عملی انجام این پژوهش براساس تحلیل نوع رابطه ایجاد شده بین واحدهای گفتمان با استفاده از گفتمان‌نماها انجام گرفت.

۳.۳. ارزیاب‌ها و پیکره: برای اثبات اعتبار و جایگاه علمی این مطالعه در تحلیل پیکره انتخاب

شده از متن قرآن کریم از دو ارزیاب در رشته‌های علوم قرآنی و ادبیات عرب به عنوان کارشناس دعوت شد تا نظر خود را درباره نمونه‌های انتخابی محقق و ممانعت از سوگیری پژوهشی و اشتباهات احتمالی محقق اعلام نمایند. مطابق جدول ۱، ۲۰٪ جزءهای قرآن به صورت تصادفی یعنی جزءهای ۱، ۲، ۱۴، ۱۷، ۲۸، و ۲۹ در این پیکره انتخاب شدند که شامل ۲۲٪ کل کلمات قرآن کریم می‌باشد.

۴.۳. مراحل انجام پژوهش: در انجام این پژوهش مراحل ذیل دنبال گردید: ۱. انتخاب تصادفی

جزءهایی از قرآن کریم در پیکره مطالعه، ۲. علامت‌گذاری نمونه‌های گفتمان‌نماها در پیکره انتخابی از متن قرآن کریم بر اساس دو الگوی انتخاب شده، ۳. طبقه‌بندی گفتمان‌نماها بر اساس الگوهای انتخاب شده، ۴. معرفی گفتمان‌نماها در پیکره بر اساس توزیع فراوانی، ۵. تفسیر داده‌ها به کمک آمار توصیفی و مقایسه با تحقیقات قبلی، ۶. مشورت با ارزیاب‌ها و بحث و گفتگو در باره استفاده از گفتمان‌نماها در پیکره مطالعه، ۷. کشف و معرفی الگوی گفتمان‌شناختی برای مطالعات گفتمان‌شناختی در گفتمان قرآن کریم بر اساس نظریه انسجام در متون قرآنی

۴. پیشینه تحقیق

علم مدیریت گفتمان علمی پیچیده و درهم‌تنیده است. این علم دارای راهبردهای کلان و خرد در مطالعه آفرینش و درک متن می‌باشد. در راهبرد کلان مدیریت گفتمان، محققان به بررسی، تحلیل و کشف ابعاد گفتمان با مطالعه راهبردهای تولید، طراحی و بازطراحی، بازگویی، توزیع و استفاده از کلام اقدام می‌کنند. در راهبرد خرد مدیریت گفتمان، محقق به بررسی و تجزیه و تحلیل نظام ایجاد انسجام و ارتباط در گفتمان می‌پردازد. با استفاده از رویکردهای کلان و خرد در این حوزه، پژوهشگران به مطالعه کوشش نویسندگان/گوینده در آفرینش متن برای ایجاد انسجام، ارتباط و پیوستگی بین واحدهای گفتمان و تلاش مخاطب برای کشف ارتباط و پیوستگی بین واحدهای گفتمان به کمک تحلیل و بررسی گفتمان‌نماها در فرایند درک و فهم گفتمان اقدام می‌کنند (ر.ک: شفرین، ۲۰۰۶؛ فریزر، ۲۰۰۶؛

محمدی، ۲۰۱۵). در این بخش مطالعه گزارشی از نظریه‌های گفتمان‌شناختی در این حوزه و مطالعات محققان ایرانی در این گستره ارائه می‌کنیم.

۱.۴. نظریه‌های گفتمان‌شناختی: در ۴۰ سال اخیر، در تحلیل نظام کاربردی گفتمان‌نماها

نظریه‌های انسجام، ارتباط و فراگفتمان ارائه شده‌اند. به نظر مولر (۲۰۰۵) نظریه انسجام بر اساس بررسی نظام انسجام متنی طراحی و ارائه شده است و نظریه ارتباط ابعاد شناختی متن را مورد تأکید قرار می‌دهد و مبنای تحلیلی آن را فرایندهای شناختی و ذهنی تشکیل می‌دهد. بر اساس نظریه فراگفتمان، ارتباطات، تعاملات و مراودات میان نویسنده/گوینده، متن و مخاطب بسیار فراتر از تبادل اطلاعات، کالا و خدمات می‌باشد و علاوه بر موارد فوق توفیق فرد در تعاملات و ارتباطات انسانی وابسته به شناخت هویت، نگرش و فرضیات افراد حاضر در گفتمان می‌باشد (هاپلند، ۲۰۰۵).

۱.۱.۴. نظریه انسجام

طرفداران نظریه انسجام^۱ بر این باورند که گفتمان‌نماها واحدها، بخش‌ها و قسمت‌های مختلف متن را با هم ترکیب می‌کنند و باعث ایجاد انسجام بین آن‌ها می‌شوند. این محققان اذعان می‌دارند که گفتمان‌نماها زمینه یکپارچگی و انسجام متن را فراهم می‌کنند و باعث می‌شوند که مخاطب بتواند فهم درستی از متن بدست آورد (هلیدی، ۱۹۷۳). به نظر شفرین (۱۹۸۷) بررسی گفتمان‌نماها با تمرکز بر نقش منظورشناختی آن‌ها نشان می‌دهد که این عناصر منجر به ایجاد تعامل بین گزاره‌ها در متن می‌گردد و پایه‌های انسجام متن را ایجاد می‌کنند. براساس نظریه انسجام درستی هر گزاره وابسته به انسجام و پیوستگی آن با دیگر گزاره‌ها در ذهن فرد می‌باشد. یعنی این که درستی و پذیرش یک گزاره در ذهن فرد وابسته به انطباق آن با مجموعه‌ای از گزاره‌ها در طرحواره‌های فکری و ذهنی اوست و با آن مجموعه از ابعاد مختلفی همسانی دارد. به عبارت دیگر انسجام در برگیرنده انطباق، تطبیق و همپوشانی بین گزاره‌ها در ذهن مخاطب می‌باشد. این همپوشانی گزاره‌ها در ذهن مخاطب با باورهای او درهم‌تنیده می‌شود و ابعاد گوناگون نظریه انسجام را تشکیل می‌دهد (ماتینز، ۲۰۰۲).

۲.۱.۴. نظریه ارتباط

۱. Coherence Theory

نظریهٔ ارتباط^۱ دارای مبانی دوگانه شناختی و ارتباطی است که ویلسون و اسپربر (۱۹۹۵) آن را ارائه کرده‌اند. مبانی شناختی آن مربوط به ویژگی جملات و عبارات نمی‌باشد. بلکه مبنای آن تفکر، حافظه و مخصوصاً مسائل ذهنی و اطلاعات در زمینه‌های مربوطه می‌باشد. اسپربر و ویلسون معتقدند که بعد از پردازش اطلاعات در ذهن فرد، پدیده‌های مرتبط دارای شرایط شناختی مثبتی می‌شوند و فرد به آن‌ها اعتماد می‌کند. بر این اساس افراد سعی می‌کنند اطلاعات کاملاً مرتبط را از میان اطلاعات گسترده انتخاب کنند و این امر دارای تاثیر مثبت و بسیار معناداری می‌باشد که تلاش‌های پردازشی فرد را بسیار کاهش می‌دهد. مبانی ارتباطی آن بر اساس نقش یک محرک بیرونی استوار است که دارای مبانی استنباطی می‌باشد. ویلسون و اسپربر (۱۹۹۵) معتقدند که هر محرک خارجی یک فرضیه را نشان می‌دهد که مبتنی بر ارتباط در حالت بسیار مطلوب و در حد اعلا می‌باشد.

۳.۱.۴. نظریهٔ فراگفتمان

نظریهٔ فراگفتمان^۲ را هایلند در دههٔ اول قرن بیست و یکم ارائه نمود. از نظر هایلند (۲۰۰۵) با استفاده از عناصر زبانی به نام فراگفتمان‌نماها^۳، نویسنده/گوینده به مخاطب خود نشان می‌دهد که چگونه ایده‌ها در جملهٔ فعلی به ایده‌های جملهٔ قبلی مرتبط‌اند. این محقق معتقد است که نقش فراگفتمان‌نماها مثل علائم راهنمایی و رانندگی بوده و به مخاطب نشان می‌دهند که جریان متن به چه سمتی در حرکت است. نویسنده/گوینده به کمک این منابع گفتمان‌مدار زبانی گفتمان خود را از طریق مشخص کردن جهت‌گیری گفتار، نشان دادن نگرش خویش و معرفی روش تفسیر و رویکرد متن به مخاطب را مدیریت می‌کند. در این فرایند نویسنده/گوینده از فراگفتمان‌نماها استفاده می‌کند تا گفتمان خویش را منطبق و مناسب با نیازها و انتظارات مخاطب خویش نماید. فراگفتمان‌نماها دارای ویژگی‌های مختلفی‌اند که باعث می‌شوند تا متن منطبق با شرایط بافت خود شده و کمک می‌کنند تا مخاطب روابط درون متن را به شکلی که نویسنده/گوینده می‌خواهد کشف و پردازش نماید، سازماندهی کند، و

1. Relevance Theory

2. Metadiscourse

3. Metadiscourse Markers

به تفسیر آن اقدام نماید. همچنین، مخاطب به کمک این عناصر متن را براساس مقتضیات و ارزش‌های جامعه گفتمانی^۱ خاص پردازش و تحلیل می‌کند.

براساس نظریه فراگفتمان، محقق از یک طرف به تجزیه و تحلیل حضور بلاغی^۲ نویسنده/گوینده، نظام مدیریت و روش آفرینش گفتمان پرداخته و سعی می‌کند دریابد تا نویسنده/گوینده چگونه منظور عاطفی و القایی^۳ مطالب را نشان می‌دهد. و از طرف دیگر او در پی آن است تا کشف کند که چگونه نویسنده/گوینده متن خشک و غیرقابل فهم را به متنی منسجم، رسا، و شیوا و قابل فهم برای مخاطب تبدیل می‌کند.

۲.۴. مطالعات به زبان‌های فارسی و عربی: مطالعات محدودی در این گستره به زبان‌های

فارسی و عربی انجام شده است. بررسی این مطالعات نشان داد که این تحقیقات در حوزه ویژگی‌های زبان قرآن، نقش، نوع، فراوانی، جایگاه و ترکیب گفتمان‌نماها به پژوهش پرداخته‌اند.

۱.۲.۴. ویژگی‌ها: در حوزه ویژگی‌ها پیوستگی متن، ماهیت زبان، و انسجام قرآن تحلیل

شده است. توکلی محمدی و مکوند (۱۳۹۸) با رویکردی تحلیلی-تاریخی به بررسی اندیشه پیوستگی متن قرآن کریم پرداختند و با تبیین خاستگاه پیوستگی در این مطالعات دو رویکرد را معرفی نمودند: رویکرد گسسته باور و رویکرد نظم باور. رویکرد گسسته باور رویکرد غالب محققان اروپایی نسبت به قرآن کریم است و رویکرد نظم باور براساس دیدگاه‌های قرآن پژوهان مسلمان و قرآن پژوهان مسلمان اروپایی و آمریکایی است که به اثبات انسجام قرآن می‌پردازد. بازبندی (۱۳۹۸) با رویکردی توصیفی تحلیلی با استفاده از زبان‌شناسی نقش‌گرا به بررسی ساخت و جبهی در آیات مربوط به گفتگوی خداوند با ابلیس می‌پردازد و نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که زبان قرآن از ساز و کارهای رایج و قواعد حاکم بر تعاملات زبان بشر بهره می‌گیرد و از نظر زبان‌شناختی دارای زبان ساده‌ای می‌باشد. مکوند و شاکر (۱۳۹۴) با رویکردی توصیفی تحلیلی با استفاده از نظریه نظم متقارن به تحلیل بلاغی متن قرآن کریم پرداختند. این مطالعه با استفاده از نظریه نظم متقارن نشان داد که متن قرآن منسجم است و هر آیه دارای بلاغت خاص خود می‌باشد.

1 . Discourse community

2 . Rhetorical manifestation

3 . Expressive implications

۲.۲.۴. نوع گفتمان نماها: در گستره نوع گفتمان نماها محققان به مطالعه از دو رویکرد

معناشناختی و فراگفتمان‌شناختی اقدام کرده‌اند. الحیح و جبرین ایتیمیزه (۲۰۱۶) ۷ عنصر قرآنی این، آن، لا، لی، ما، من و ها را گفتمان‌نا تلقی کردند و بررسی نمودند. متاسفانه پژوهش این محققان عرب فاقد تعریف عملیاتی و فهم درست از گفتمان نماهاست و در نتیجه بیش از ۷۰٪ کلمات انتخابی آنان اصلاً گفتمان‌نا نیستند مانند لا، لی، ما، من و ها و کمتر از ۳۰٪ کلمات مطالعه شده آنان گفتمان‌نا می‌باشند یعنی این و آن. مدل آنان برای مطالعه گفتمان نماها یعنی مدل فر کلاو نیز مدل مناسبی در مطالعات گفتمان نماها نیست. چون آن مدل برای تحلیل گفتمان انتقادی است و برای مطالعه گفتمان نماها طراحی نشده است و نتایج آنان نیز بر اساس دستور زبان عربی می‌باشد و مسائل گفتمان‌شناختی و منظورشناختی کاربرد گفتمان نماها مورد توجه قرار نگرفته است. پاکنژاد، ویسی و نقی زاده (۱۴۰۰) سوره بقره قرآن کریم را براساس رویکرد معناشناختی فریزر (۲۰۰۵) تحلیل کردند نتیجه این مطالعه نشان داد که گفتمان نماهای موجود در این سوره شامل گفتمان نماهای تفصیلی، استنتاجی و زمانی بود. شیخ قره‌سنگ (۱۳۹۹) به ارزیابی انواع نشانگرهای فراگفتمان در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن پرداخت. نتیجه بررسی این محقق نشان داد که نشانگرهای فراگفتمان یقین‌نا، خود اظهار، دخیل‌ساز و نگرش‌نا با فراوانی‌های مختلف در این سوره‌ها مشاهده شد.

۲.۲.۴. نقش گفتمان نماها: از منظر نقش گفتمان نماها، محققان به بررسی کارکرد و آثار

فراگفتمان‌مدار و برداشت فرد از آیات قرآن پرداخته‌اند. گفتمان نماها مانند فرامین و عوامل فراگفتمان‌مداری هستند که از طرف گوینده/نویسنده صادر شده‌اند تا مخاطب بتواند به تفسیر درست، دقیق و یا تفسیر مورد نظر گوینده/نویسنده از گفتمان دست یابد. علاوه بر این، گفتمان نماها به مثابه عناصری برای رمزگذاری اطلاعات در آفرینش گفتمان عمل می‌کنند و چارچوبی عینی و برای رمزگشایی اطلاعات برای پردازش مخاطب فراهم می‌کنند. بنابراین، گفتمان نماها در کانون مدیریت گفتمان انسانی قرار دارند (فقیه ملک مرزبان، ۱۳۸۶؛ محمدی، ۲۰۲۰). با رویکردی دستور-محور، الحیح و جبرین ایتیمیزه (۲۰۱۶) در بررسی نقش گفتمان نماهای "این" و "آن" به این نتیجه رسیدند که دارای نقش مصدری می‌باشند. حجتی‌زاده (۱۳۹۶) با رویکردی منظورشناختی به بررسی نقش نشانگرهای گفتمانی در آیاتی از قرآن کریم پرداختند. نتیجه مطالعه نشان داد که رابطه مستقیمی بین

معنی آیه و برداشت فرد از آن بر اساس نشانگرهای گفتمانی وجود دارد و محقق نتیجه می‌گیرد که معناشناسی قرآن نوعی معناشناسی پویاست که با استفاده از نشانگرهای گفتمانی به ایجاد حرکت در رویدادهای داستان و نوسازی اطلاعات مخاطب کمک می‌کند.

۴.۲.۴. فراوانی و جایگاه گفتمان‌نماها: مولوی وردنجانی (۱۳۹۳) به تحلیل نشانگرهای

گفتمانی در برخی سور مکی و مدنی پرداخت و نتیجه مطالعه او نشان داد که عناصر پیوندی "و" و "اذا" بیش‌ترین فراوانی را در هر دو گروه سوره‌ها داشتند و این عناصر پیوندی غالباً در جایگاه‌های آغازی و میانی قرار داشتند. در سور مکی بیشتر در جایگاه آغازی و در سور مدنی بیشتر در جایگاه میانی استفاده شده بودند. ویسی و مولوی وردنجانی (۱۳۹۵) به تحلیل ادات پیوند در سوره یس پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که حرف ربط "و" در جایگاه آغازی میانی و پایانی استفاده شده بود و اکثراً در خدمت ایجاد روابط پیوندی، تمثیلی و تقابلی بود. و حرف "ف" اکثراً در جایگاه میانی قرار گرفته بود و در خدمت ایجاد روابط توالی زمانی، شرطی و علی بود.

۵.۲.۴. ترکیب گفتمان‌نماها: محمدی (۲۰۲۰) در بخشی از مطالعه خود به تحلیل ترکیب

گفتمان‌نماها در قرآن کریم پرداخت. مطالعه او نشان داد که گفتمان‌نماهای تفصیلی با گفتمان‌نماهای تقابلی، توالی و استنباطی ترکیب شده بودند. علاوه بر این، او نشان داد که گفتمان‌نماهای استنباطی با گفتمان‌نماهای تقابلی، توالی، تفصیلی و استنباطی ترکیب شده بودند. مطالعه نقش این گفتمان‌نماهای ترکیب شده هم نشان داد که تمامی آن‌ها دارای نقش اطلاع‌رسانی به مخاطب بودند. بررسی مطالعات در این پیشینه نشان داد که پژوهشی در گستره معرفی نظام مدیریت گفتمان در قرآن انجام نشده است و این مطالعه در جستجوی پر کرده این خلاء علمی-پژوهشی می‌باشد.

۵. یافته‌ها و بحث و بررسی

در این بخش به گزارش و تحلیل و بررسی یافته‌ها و نتایج مشورت با ارزیاب‌ها در این گستره می‌پردازیم. مطابق جدول ۱، ۲۰٪ درصد کل قرآن در این پژوهش تحلیل و بررسی شده است که شامل ۲۲٪ کل کلمات قرآن کریم است. و نتایج نشان داد که تعداد گفتمان‌نماهای موجود در این پیکره نیز شامل ۱۵٪ می‌شود (سوال ۲). در مطالعات گزارش شده در این حوزه درصدهای محدودی ارائه شده است. در پژوهش محمدی، نژاد انصاری و یوحناپی (۲۰۱۵) در گفتمان آموزشی اساتید و

دانشجویان توزیع فراوانی گفتمان‌نمای "خب" ۱٪ است و این توزیع فراوانی در مطالعه آسیک و سفیه (۲۰۱۳) یک دهم درصد می‌باشد. همچنین، در پژوهش محمدی و نژاد انصاری (۲۰۱۵) توزیع فراوانی گفتمان‌نماها در آفرینش گفتمان ۸٪ است. تفاسیر مختلفی در مورد علل استفاده محدود از گفتمان‌نماها در این مطالعات ارائه شده است که شامل نقاط ضعف در آموزش، کتب درسی، تربیت معلم و مسائل مربوط به ابعاد فرهنگی کاربرد زبان در جامعه می‌باشد. توزیع فراوانی گفتمان‌نماها در پیگیره این مطالعه بیش‌تر از پژوهش‌های سه‌گانه فوق می‌باشد. این موضوع نیازمند مطالعات بیش‌تر و گنجانیدن نمونه‌های بیش‌تری از متون قرآنی است تا شناخت جامع‌تری از نظام مدیریت گفتمان در قرآن بدست آوریم.

جدول ۱ توزیع فراوانی جزءهای انتخابی، کلمات، و گفتمان‌نماها در پیگیره

ردیف	موارد	فراوانی	درصد
۱	جزء‌های بررسی شده	۶	٪۲۰
۲	تعداد کل کلمات قرآن	۷۷۸۰۷	٪۱۰۰
۳	تعداد کلمات پیگیره	۱۶۹۰۶	٪۲۲
۴	تعداد گفتمان‌نماها	۲۴۷۶	٪۱۵

تحلیل و بررسی پیگیره (جدول ۲) نشان داد که در جزءهای شش‌گانه قرآن کریم از چهارگروه گفتمان‌نمای تفصیلی، استنباطی، تقابلی و توالی استفاده شده است (سوال ۱). بر اساس جدول ۲، پرکاربردترین گفتمان‌نماها در قرآن کریم گفتمان‌نماهای تفصیلی با ۵۱٪ توزیع فراوانی که حائز جایگاه اول می‌باشند (سوال ۳) و دومین جایگاه در متن قرآن کریم متعلق به گفتمان‌نماهای استنباطی با ۳۸٪ توزیع فراوانی است. گفتمان‌نماهای تقابلی با ۷٪ درصد توزیع فراوانی در رتبه سوم قرار دارند و گفتمان‌نماهای توالی با ۴٪ توزیع فراوانی در مرتبه چهارم قرار گرفته‌اند.

جدول ۲ توزیع فراوانی گفتمان‌نماها در پیگیره

ردیف	گفتمان‌نما	فراوانی	درصد	نوع
۱	گفتمان‌نماهای تفصیلی	۱۲۶۲	٪۵۱	٪۷
۲	گفتمان‌نماهای استنباطی	۹۵۰	٪۳۸	٪۴۷

۳	گفتمان‌نماهای تقابلی	۱۶۹	۷٪	۲۱٪
۴	گفتمان‌نماهای توالی	۸۹	۴٪	۲۵٪

مطابق جدول ۳، جایگاه اول از نظر توزیع فراوانی متعلق به گفتمان‌نمای "و" با ۱۲۳۶ نمونه و ۵۱٪ توزیع فراوانی است. دومین رتبه از نظر توزیع فراوانی به گفتمان‌نمای او با ۲۰ نمونه تعلق دارد که شامل ۲٪ گفتمان‌نماها در پیکره برگرفته از قرآن کریم است. جایگاه بعدی متعلق به گفتان‌نمای ام با توزیع فراوانی بسیار محدود است. براساس این بخش یافته یعنی جدول‌های ۲ و ۳ پرکاربردترین گفتمان‌نماها گفتمان‌نماهای تفصیلی‌اند و در بین گفتمان‌نماهای تفصیلی هم گفتمان‌نمای "و" با ۱۲۳۶ نمونه و ۹۷٪ توزیع فراوانی پرکاربردترین گفتمان‌نما می‌باشد. علی‌رغم داشتن بالاترین درصد توزیع فراوانی، این گروه از تنوع بالایی (۷٪) برخوردار نیستند.

جدول ۳ توزیع فراوانی گفتمان‌نماهای تفصیلی

ردیف	گفتمان‌نما	فراوانی	درصد
۱	وَ	۱۲۳۶	۹۷٪
۲	أَوْ	۲۰	۲٪
۳	أَمْ	۶	۰۴٪

چه تشابهی بین این پیکره و دیگر پیکره‌ها در مطالعات قبلی وجود دارد؟ آیا الگویی مشابه این الگو در گزارش محققان نیز کشف شده‌است؟ در مطالعات انجام شده در گستره زبان‌های انگلیسی و فارسی نیز چنین الگویی کشف و گزارش شده‌است. گزارش‌ها شامل داشتن بالاترین فراوانی در گفتمان اساتید و دانشجویان (نژادانصاری و محمدی، ۲۰۱۵)، در متون انتقادی ترجمه (محمدی و دهقان، ۲۰۲۰)، رتبه اول در استفاده از راهبرد تصریح در ترجمه شفاهی (محمدی، ۲۰۲۱)، در حوزه ترکیب گفتمان‌نماها در متون مختلف (محمدی، ۲۰۲۰)، در اشعار حافظ و گوته (محمدی و رجایی، ۲۰۲۰)، در اعمال عدم انطباق در ترجمه گفتمان‌نمای "و" در ترجمه شفاهی همزمان (محمدی، ۲۰۲۱)، در یادگیری زبان (جلیلی فر، ۲۰۰۸)، استفاده گسترده در متون (هلرمن و ورگن، ۲۰۰۷) و در متون خلاق ادبی (صیادکوه و رئیسی، ۱۳۹۶) می‌باشد.

فلسفه توزیع فراوانی گسترده این گروه گفتمان‌نماها در این پیکره چیست؟ تفاسیر مختلفی در پژوهش‌های این محققان ارائه شده است: یادگیرنده آن‌ها را به راحتی یاد می‌گیرد (جلیلی فر، ۲۰۰۸)، در اولویت یادگیری زبان قرار دارند (مارتینز، ۲۰۰۴)، در مقایسه با دیگر گفتمان‌نماها دارای توزیع فراوانی بیش‌تری هستند (کوان و چنگ، ۲۰۱۲)، دارای مجموعه‌ای از ظریف‌هایی‌اند که از طریق کاربرد آن‌ها رابطه بین قسمت‌های مختلف گفتمان به آسانی نشان داده می‌شود (فریزر، ۱۹۹۹)، عدم پیچیدگی معنایی آن‌ها (هلرمن و ورگن، ۲۰۰۷) و تلقی گفتمان‌نماها در نقش پرکاربردترین، کارسازترین، خلاق‌ترین، پیچیده‌ترین، مهم‌ترین و گسترده‌ترین عناصر زبانی در ایجاد روابط خلاق در متون ادبی (صیادکوه و رئیسی، ۱۳۹۶).

مطابق جدول‌های ۲ و ۴، گروه دوم گفتمان‌نماهای استفاده شده در قرآن کریم گفتمان‌نماهای استنباطی هستند که شامل ۹۵۰ نمونه و ۳۸٪ توزیع فراوانی در این پیکره می‌باشند. این گروه گفتمان‌نماها از نظر فراوانی دارای جایگاه مناسبی هستند. "ف" با ۵۱۴ نمونه و ۵۴٪ توزیع فراوانی پرکاربردترین گفتمان‌نماست. بعد از آن گفتمان‌نمای "اِن" با ۱۳٪ قرار دارد و بقیه دارای توزیع فراوانی ۳٪ و کمترند. ولی دارای گسترده‌ترین تنوع در متون قرآنی می‌باشند (۴۷٪). در این گروه از ۲۰ نوع و ترکیب مختلف گفتمان‌نماها استفاده شده است که اهمیت کاربردی، کارکرد و نقش آن‌ها را نشان می‌دهد. در پژوهش نژادانصاری و محمدی (۲۰۱۵) در گفتمان اساتید و دانشجویان نیز با ۲۰٪ توزیع فراوانی رتبه دوم متعلق به گفتمان‌نماهای استنباطی است و در این پیکره تنوع گفتمان‌نماها محدود به سه نوع گفتمان‌نمای زیرا، پس و سپس می‌باشد. ولی در پیکره محمدی و دهقان (۲۰۲۰) گفتمان‌نماهای استنباطی با ۱۶٪ توسعه فراوانی در رتبه سوم هستند و گفتمان‌نماهای "بنابراین" و "درنتیجه" بیشترین کاربرد را دارا می‌باشند و این گفتمان‌نماها از نظر تنوع در پیکره آنان دارای بالاترین تنوع یعنی ۳۹٪ می‌باشند. بنابراین، هدف از کاربرد آن‌ها در این پیکره‌ها نمایش نظام استنباط به کمک نتیجه‌گیری، استدلال و توجیه می‌باشد.

جدول ۴ توزیع فراوانی گفتمان‌نماهای استنباطی

ردیف	گفتمان‌نما	فراوانی	درصد	ردیف	گفتمان‌نما	فراوانی	درصد
۱	ف	۵۱۴	۵۴٪	۱۱	بِأَنَّ	۱۲	۱٪

۲	اِنَّ	۱۲۱	۱۳٪	۱۲	وَأَنَّ	۱۱	۱٪
۳	وَلَقَدْ	۲۷	۳٪	۱۳	أَنَّ	۱۰	۱٪
۴	وَأِنَّ	۲۵	۳٪	۱۴	وَقَدْ	۹	۰.۹٪
۵	فَإِنَّ	۲۲	۲٪	۱۵	فَقَدْ	۷	۰.۷٪
۶	إِنَّ	۲۱	۲٪	۱۶	فَأِنَّمَا	۳	۰.۳٪
۷	وَأِنَّ	۱۶	۱/۶٪	۱۷	وَأِنَّ	۳	۰.۳٪
۸	إِنَّمَا	۱۴	۱٪	۱۸	وَأَنَّ	۱	۰.۱٪
۹	قَدْ	۱۶	۱/۶٪	۱۹	كَأَنَّ	۱	۰.۱٪
۱۰	فَإِنَّ	۱۲	۱٪	۲۰	فَكَأَنَّمَا	۱	۰.۱٪

مطابق جدول‌های ۲ و ۵، گفتمان‌نماهای تقابلی با ۷٪ توزیع فراوانی در رتبه سوم قرار دارند. ولی با ۲۱٪ از نظر تنوع در جایگاه سوم می‌باشند. گفتمان‌نماهای "وَلَكِنْ" با ۱۶٪، "إِنَّمَا" با ۱۱٪ و "وَلَوْ" با ۷٪ از پرکاربردترین گفتمان‌نماها هستند و بقیه گفتمان‌نماهای این گروه دارای ۳٪ توزیع فراوانی و کمتر می‌باشند. در پژوهش نژاد انصاری و محمدی (۲۰۱۵) در گفتمان‌اساتید و دانشجویان هم جایگاه سوم متعلق به گفتمان‌نماهای تقابلی با ۱۰٪ توزیع فراوانی است و گفتمان‌نماهای با این حال، در عوض و اما از پرکاربردترین عناصر می‌باشند. ولی در پیکره متون انتقادی ترجمه در پژوهش محمدی و دهقان (۲۰۲۰) گفتمان‌نماهای تقابلی با ۲۲٪ توزیع فراوانی در جایگاه دوم قرار دارند و گفتمان‌نماهای اما، ولی و با این حال دارای بیش‌ترین کار بردند و در مجموع از ۱۳ نوع گفتمان‌نما استفاده شده و از نظر تنوع دارای ۳۱٪ توزیع فراوانی می‌باشند.

جدول ۵ توزیع فراوانی گفتمان‌نماهای تقابلی

ردیف	گفتمان‌نما	فراوانی	درصد
۱	وَلَكِنْ	۲۷	۱۶٪
۲	إِنَّمَا	۱۸	۱۱٪
۳	وَلَوْ	۱۲	۷٪
۴	فَأَمَّا	۵	۳٪
۵	أَمَّا	۴	۲٪
۶	وَلَنْ	۱	۰.۵٪

۷	وَأَمَّا	۱	٪۰۵
۸	لَوْ	۱	٪۰۵
۹	بَلْ	۱	٪۰۵

براساس جدول‌های ۲ و ۶، گفتمان‌نماهای توالی با ۴٪ توزیع فراوانی در رتبه چهارم قرار دارند که حداقل توزیع فراوانی است. ولی گفتمان‌نماهای توالی از ۲۵٪ تنوع برخوردار می‌باشند که از این منظر در جایگاه دوم و بالاتر از گفتمان‌نماهای تقابلی قرار دارند. در این گروه، گفتمان‌نمای وَاذْ با ۲۲٪، اِذَا با ۱۹٪، وَاِذَا با ۲۰٪، فَلَمَّا با ۱۸٪ جزء گفتمان‌نماهای پرکاربردند و بقیه گفتمان‌نماها دارای ۱۰٪ توزیع فراوانی و یا کمتر هستند. در گفتمان اساتید و دانشجویان در پیکره نژادانصاری و محمدی (۲۰۱۵) نیز گفتمان‌نماهای توالی دارای کم‌ترین توزیع فراوانی یعنی ۳٪ می‌باشند و گفتمان‌نمای حالا بیش‌ترین توزیع فراوانی را در این پیکره به خود اختصاص داده است. همچنین، در مطالعه محمدی و دهقان (۲۰۲۰) رتبه چهارم مربوط به گفتمان‌نماهای توالی با ۸٪ توزیع فراوانی است که کم‌ترین توزیع فراوانی می‌باشد و گفتمان‌نماهای اول و نخست دارای بیش‌ترین فراوانی‌اند. همچنین، از نظر تنوع استفاده از گفتمان‌نماها برخوردار از ۲۹٪ می‌باشند. شباهت‌های زیاد میان این پیکره‌ها نظام طبیعی مدیریت گفتمان را به نمایش می‌گذارد.

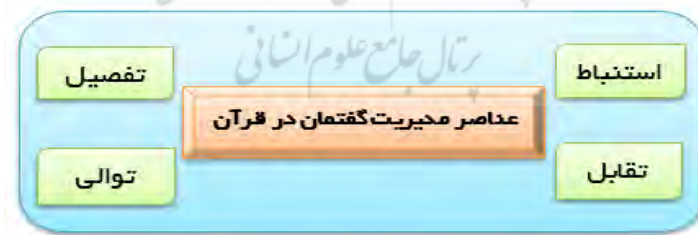
جدول ۶ توزیع فراوانی گفتمان‌نماهای توالی

ردیف	گفتمان‌نماها	فراوانی	درصد
۱	وَاذْ	۲۰	۲۲٪
۲	اِذَا	۱۷	۱۹٪
۳	وَاِذَا	۱۸	۲۰٪
۴	فَلَمَّا	۱۵	۱۸٪
۵	اِذْ	۹	۱۰٪
۶	فَاِذَا	۸	۹٪
۷	مِنْ بَعْدُ	۳	۳٪
۸	وَلَمَّا	۲	۲٪
۹	فَاِذْ	۱	۱٪

۱۰	إِذَا	۲	۲٪
۱۱	لَمَّا	۱	۱٪

تحلیل ۲۰٪ متون قرآنی نشان داد که در این کتاب الهی از چهار گروه گفتمان‌نمای استنباطی، تفصیلی، تقابلی و توالی استفاده شده است که روابط گفتمانی استنباط، تفصیل، تقابل و توالی را نشان می‌دهند. یعنی این الگوی اکتشافی دارای ابعاد و ساختار مستطیلی در آفرینش گفتمان است. رابطه گفتمانی استنباط به نمایش پیوستگی و انسجام از نوع نتیجه‌گیری، استناد، استدلال، برداشت و درک میان واحدهای گفتمان با کاربرد گفتمان‌نماهایی مانند "إِنَّ"، "فَكَأَنَّمَا" و "قَدْ" می‌پردازد. رابطه تفصیل نشان دهنده انسجام براساس افزایش، توصیف و گسترش بین بخش‌های گوناگون گفتمان با استفاده از گفتارنماهایی مانند "و" و "أَوْ" است. رابطه گفتمانی تقابل به گسترش گفتمان بر اساس تعارض، تضاد و تناقض با بهره‌وری از گفتمان‌نماهایی چون "وَلَكِنَّ" و "أَمَّا" اقدام می‌کند. و سرانجام رابطه گفتمانی توالی، رابطه سلسله‌مراتبی بر اساس زمان را با استفاده از گفتمان‌نماهایی مثل "إِذَا" و "بَعْد" اثبات می‌کند. بدین معنی که در گفتمان قرآنی بیان نظر به صورت مکتوب و شفاهی نیازمند ایجاد این روابط چهارگانه بین واحدهای گفتمان است. از طرف دیگر، فهم گفتمان قرآنی نیازمند شناخت، درک و استنباط این رابطه‌ها بین واحدهای گفتمان است (شکل ۱).

شکل ۱ ابعاد مدیریت گفتمان در قرآن کریم



نتایج مشابه نتایج این پیکره برگرفته از متون قرآنی در مطالعات دیگر مخصوصاً به زبان‌های فارسی و انگلیسی نیز گزارش شده است. فریزر (۱۹۹۹، ۲۰۰۶) به تحلیل پیکره‌هایی در زبان انگلیسی

پرداخت و الگوهایی را معرفی کرد روابط توصیف، تضاد، استنتاج و سلسله مراتب را نشان می‌دهد. علاوه‌براین، نژاد انصاری و محمدی (۲۰۱۵) در تحلیل نظام مدیریت گفتمان کلاسی اساتید و دانشجویان ایرانی به زبان انگلیسی نیز نشان دادند که اساتید و دانشجویان از گفتمان‌نمایی برای توصیف رابطه بین رابطه بین واحدهای گفتمان، نشان دادن مخالفت، اثبات نتیجه و نمایش سلسله مراتب زمانی استفاده نمودند. همچنین، مطالعه محمدی و دهقان (۲۰۲۰) در پیکره‌های انتقادی ترجمه نیز روابطی شبیه روابط فوق را کشف و معرفی نمودند. افزون بر این، بخشی از روابط فوق در پژوهش کسایی و عموزاده (۲۰۲۰) گزارش شده است. بنابراین، الگوی کشف شده دارای مبانی علمی-نظری، نظریه‌انسجام، پژوهشی و تجربی می‌باشد. البته لازم است با انجام تحقیقات گروهی و با انتخاب پیکره‌های گسترده‌تر از متون قرآنی ابعاد بیش‌تری از نظام مدیریت گفتمان در قرآن کریم را کشف نماییم.

۶. نتیجه‌گیری، کاربردهای آموزشی و پژوهشی

نتیجه این پژوهش کشف یک الگوی چهار وجهی در مدیریت گفتمان در متون قرآنی بود: استنباط، تفصیل، تقابل و توالی. تنوع گسترده‌ای در کاربرد گفتمان‌نماها وجود دارد. ابعاد گفتمان‌شناختی و منظورشناختی گفتمان‌نماهای قرآنی در مطالعات و کتب دستور هنوز بررسی نشده‌اند و ظاهر ساده و معنای ساده لغوی و تحت‌لفظی آن‌ها باعث عدم توجه محققان و مدرسان به این عناصر فرازبانی شده است و محقق حاضر در بحث‌ها و مذاکراتی که با برخی اساتید علوم مرتبط داشت مشخص گردید که آنان بر اساس مطالب قدیمی در کتب لغت و دستور زبان به بحث و گفتگو می‌پردازند و شناختی از آثار گفتمان‌شناختی، منظورشناختی، غیرمستقیم و ضمنی گفتمان‌نماها ندارند و آن‌ها را صرفاً به عنوان حروف عطف و ربط تلقی می‌کنند.

علاوه‌براین، تحقیقات بررسی شده هم که مشکلات خاصی داشتند و مثلاً محققان عرب‌زبان هم یا در این حوزه ورود نکرده‌اند، یا ورود محدود و بسیار ناقصی دارند مانند الحیح و جبرین ایتیمیزه (۲۰۱۶) و البته شناخت دقیق و درستی از گفتمان‌نماها در تحقیق محدود خود نیز به نمایش نگذاشته‌اند. همانطور که در مقدمه بیان شد این مطالعه قدمی مقدماتی در این حوزه است و بیشتر طرح موضوع. و هدف آن دعوت از گفتمان‌شناسان، منظورشناسان و حتی مترجمان حرفه‌ای برای ورود به این حوزه با

استفاده از امکانات فناوری و روش‌ها و رویکردهای جدید در گستره‌های گفتمان‌شناسی و منظورشناسی است. لذا پیشنهاد می‌گردد برای انجام مطالعات جامع، پژوهش‌های گروهی چند زبانه و با پیکره‌های گسترده‌تری انجام شود تا شناخت جامع‌تری از ابعاد ظریف نظام مدیریت گفتمان قرآن به دست آوریم. علاوه بر این، با توجه به این که گفتمان‌نماها تاثیر منظورشناختی گسترده‌ای در معرفی مبانی کاربردی، اجتماعی، شناختی و نظام گفتمان‌مدار و تعاملات فرازبانی و خلاق دارند، لذا تحلیل روش‌های شکل‌گیری رفتار گفتمانی در تولید، درک و بهره‌برداری از زبان کاربردهای بسیار زیادی در آموزش علوم قرآنی، نگارش کتب دستور، تغییر رویکردها در فرهنگ‌نگاری و تحول و گسترش رویکردهای پژوهشی را به دنبال خواهد داشت.

۷. منابع

۱. بازوندی، حسین. (۱۳۹۸). ملاحظاتی در باب زبان قرآن، تفسیر و زبان قرآن، ۷(۱۴)، ۱۹۰-۱۶۷.
۲. پاکنژاد، محمد و ویسی، الخاص (۱۴۰۰) نقش توالی گفتمان‌نماهای واژگانی در انسجام متنی ترجمه‌های تفسیری فارسی و انگلیسی، مطالعات قرآن، ۱۰(۴۵)، ۱۷۰-۱۳۹.
۳. پاکنژاد، محمد، ویسی، الخاص و نقی زاده، محمود (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی توالیهای گفتمان‌نماها در شش ترجمه معاصر فارسی و انگلیسی، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۴(۸)، ۶۲-۳۵.
۴. توکلی محمدی، نرجس و مکوند، محمود (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل تاریخی اندیشه پیوستگی متن قرآن کریم، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۳(۴۳)، ۹۱-۱۲۵.
۵. حجتی زاده، راضیه. (۱۳۹۶). تاثیر نقش‌نماهای گفتمانی واو و ف در فهم معنی آیات قرآن، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ۲(۱۲)، ۱۴۱-۱۶۲.
۶. الخاص، ویسی و مولوی وردنجانی، آرزو (۱۳۹۵). بررسی مقابله‌ای نقص گفتمانی اعداد پیوندی واو وفا در قرآن کریم، مطالعات ادبیات عرفان و فلسفه، ۲(۲)، ۱۸-۲۶.
۷. شیخ قره‌سنگ، شهین. (۱۳۹۹). بررسی نشانگرهای تعاملی فراگفتمان در قرآن کریم، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۳(۳)، ۲۳-۴۶.
۸. فقیه ملک مرزبان، نسرین. (۱۳۸۷). شور عطف. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۴(۲)، ۱۴۵-۱۶۸.
- مکوند، محمود و شاکر، محمدکاظم (۱۳۹۴). بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن، پژوهش‌های قرآنی، ۳(۷۶)، ۳۳-۴.
۹. مولوی وردنجانی، آرزو (۱۳۹۳). بررسی نشانگرهای گفتمانی در سور مکی و مدنی قرآن کریم از دیدگاه زبان‌شناسی متن، برگرفته از: <https://civilica.com/doc/423350/>

1. Aijmir, K. (2002). English discourse particles: Evidence from a corpus. Amsterdam: Johan Benjamins
2. Al-heeh, S. & Jebreen Itmeizeh, M. (2016). Exploring discourse markers in Noble Quran, *International Journal on Studies in English Language and Literature*, 4(7), 32-51.
3. Asik, A., & Cephe, T. (2013). Discourse markers and spoken English: Nonnative use in the Turkish EFL setting. *English Language Teaching*, 9(12), 34-56.
4. Fraser, B. (1999). What are discourse markers? *Journal of Pragmatics*, 12(3), 931-952.
5. Crible, L & Pascual, E. (2020). Combinations of discourse markers with repairs and repetitions in English, French and Spanish, *Journal of Pragmatics*, 5(7), 54-67.
6. Dagand, L. & Cuenca, M. J. (2019). Discourse Marker use: from production to comprehension. Workshop proposal for the 53rd SLE Conference Bucharest (Romania), 26 – 29 August 2020. Retrieved from: <http://sle2020.eu/downloads/workshops/Discourse%20Marker%20use.pdf>>
7. Faghih Malek Marzban, N. (2008). The Functions of Conjunctions, *Olum Ensani Alzahra*, 17(68-69), 145-168.
8. Frank-Job, B. (2006). A dynamic-interactional approach to discourse markers. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to discourse particles*, (pp. 359-375). Oxford: Elsevier.
9. Fraser, B. (2006). Towards a theory of discourse markers. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to discourse particles* (pp. 240-256). Oxford: Elsevier.
10. Halliday, M. A. K. (1973). *Explorations in the functions of language*. New York: Elsevier North-Holland, Inc.
11. Hellermann, J. & Vergun, H. (2007). Language which is not Taught: The Discourse Marker Use of Beginning Adult Learners of English. *Journal of Pragmatics*, 39(2), 157-179.
12. Hyland, K. (2005). *Metadiscourse: Exploring Interaction in Writing*. London: Continuum.
13. Jalilifar, A. (2008). Discourse markers in composition writings: The case of Iranian learners of English as a Foreign Language. *English Language Teaching*, 1(3), 31-48.
14. Kassaei, Gh. & Amouzadeh, M. (2020). The combination of Discourse Markers in Persian. *International Review of Pragmatics*, 12(1), 135-163.
15. Kessler, E. (2013). *Encyclopedia of management theory*. Available: www.us.asgepub.com.
16. Martínez, A. C. L. (2002). The use of discourse markers in E.F.L. learners' writing, *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*, 15(4), 123-132.
17. Mohammadi, A. M. & Dehghan, R. (2020). An Analysis of Discourse Markers in Translation
18. Criticism: Introducing a Discourse Monitoring Model in the Iranian Context. *Translation Studies Quarterly*, 18(69), 7-24.

19. Mohammadi, A. M. (2015). An introduction to discourse monitoring system: theories, strategies, models, and researchers, *Journal of Foreign Language Research*, 5(1), 61-86.
20. Mohammadi, A. M. (2020). A pragmatic analysis of co-occurrence of discourse markers in texts: pragmaticalization of functions, *Zaban Pazhuhi*, doi: 10.22051/jlr.2020.32471.1902
21. Mohammadi, A. M. (2021). An Analysis of the Underspecifications of “AND” in Parallel Corpora: A Case Study in Simultaneous Translation in Iranian Context. *Journal of Foreign Language Research*, 11 (1), 67-80.
22. Mohammadi, A. M., Nejadansari, D. Yuhannae. M. (2015). The index of pragmaticuses of 'Well' in university classroom discourse: a case study in Iran. *Taiwan Journal of TESOL*, 12(2), 86-116.
23. Muller, S. (2004). ‘Well you know that type of person’: functions of well in the speech of American and German students. *Journal of Pragmatics*, 11(36), 1157–1182.
24. Muller, S.(2005). *Discourse Markers in Native and Non-native English Discourse*. Amsterdam: John Benjamins.
25. Nejadansari, D. & Mohammadi, A. M. (2014). The frequencies and functions of discourse markers in the Iranian University EFL classroom discourse. *International Journal of Research Studies in Language Learning*, 4(2), 1-18.
26. Quan, L., & Zheng, L. (2012). A study of self-repair markers in conversation by Chinese learners. *Journal of Language Teaching and Research*, 5(5), 1216–1223.
27. Redeker, G. (1990). Ideational and pragmatic markers of discourse structure. *Journal of Pragmatics*, 14, 367 - 381.
28. Sayadkooh, A., & Reisi, A. (2017). Functions of Vav in Golestan. *Honar Zaban*, 1(2), 5-35.
29. Schiffrin, D. (1987). *Discourse markers*. Cambridge: Cambridge University Press.
30. Schiffrin, D. (2006). Discourse marker research and theory: revisiting and. In K. Fischer (Ed.). *Approaches to discourse particles* (pp. 315-339). Amstersam: Elsevier.
31. Sperber, D. & Wilson, A. (1995). *Relevance* . Oxford: Blackwell.
32. Trillo, R. J. (2002). The pragmatic fossilization of discourse markers in non-native speakers of English. *Journal of Pragmatics*, 4(34), 769–784.

Discourse-Oriented Approach to the Analysis of Discourse Markers in the Holy Qur'an: Towards Introducing a Discourse Monitoring Model Based on Qur'anic Texts

Ali Mohammad Mohammadi¹

Abstract

Designing and introducing models for conducting research based on theoretical perspectives comprise the principles and foundations of descriptive, qualitative, and explorative studies. It is one of the current procedures in discourse and pragmatic studies which are generally based on corpus-based studies. Discourse markers are metalinguistic elements made up of prepositions, coordinators, conjunctions, adverbs, and short sentences. Discourse markers are applied in order to establish relationships between different units of discourse in human communication. The present research aimed to investigate and analyze the most complex, frequent, and effective metalinguistic elements, i.e. discourse markers, on the basis of coherence theory in discourse to explore and discover a discourse monitoring model on the basis of Qur'anic texts. To this end, 6 sections of the Holy Qur'an were randomly selected for the purpose of analysis. The corpus consisted of 16906 words. The analysis of the corpus produced a four plane of talk framework representing four types of discourse relations comprising inference, elaboration, contrast and temporal sequence. Different aspects of the findings were discussed, and different implications for education, research, material development, and lexicography were considered.

Keywords: Discourse Markers, Quranic Texts, Discourse Monitoring, Model.

**Date Received: December 18, 2021; Date Accepted: January 31, 2022

1. Corresponding author: Department of Language, Faculty of Literature and languages, Arak University; Email: a-mohammadi@araku.ac.ir